نازه‌های نشر

از وصیت‌نامه مالی تا وصایای سیاسی در کتاب «فاطمه؛ چشمه جوشان هستی»

نویسنده در کتاب «فاطمه(س) چشمه جوشان هستی» تلاش کرده شمه‌ای از شکوه سیرت بانوی دو عالم، حضرت زهرا(س) را روایت کند. به گزارش خبرگزاری تسنیم، چاپ جلوم کتاب «فاطمه(س) چشمه جوشان هستی» به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین احمد زمانی در ۴۹۴ صفحه از سوی مؤسسه بوستان کتاب روانه بازار نشر شد.

درباره زندگانی کوتاه، بابرکت و پر فراز و نشیب امام‌الائمه، حضرت فاطمه زهرا(س) کتاب‌ها و رساله‌های بسیار از قرن اول تا عصر حاضر نوشته شده و بزرگان اهل قلم شامل مسلمانان و غیرمسلمانان آثار متنوعی به نگارش درآورده‌اند، اما حیات اعجاب‌برانگیز ایشان به صورتی است که هر چه تأمل و تعمق بیشتر شود، همچنان نکات نو، سازنده، کاربردی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دیگر یافت می‌شود. این کتاب حاضر، زندگی درس آموز و الگوی همه زنان جهان را در پنج بخش بررسی کرده است؛ بخش نخست این اثر که با عنوان «نیمه اول عمر پربرکت فاطمه(س) در مکه مکرمه» منتشر شده، مشتمل بر زمان ولادت و چگونگی آن، اسامی و القاب پرمحتوای صدیقه طاهره(س) و دوران کودکی و نوجوانی فاطمه در مکه مکرمه است.

در بخش دوم این اثر با عنوان «والاترین الگوی زنان جهان» به سه فصل با عناوین ازدواج پربرکت و به یاد ماندنی، اداره زندگی و مبانی استحکام خانواده و شناخت فاطمه در منابع سه‌گانه پرداخته شده است.

سومین بخش از این اثر در سه فصل و ۱۱ گفتار به جلوه‌های عصمت و هدایت‌گری در سیره حضرت فاطمه(س) می‌پردازد؛ در این بخش، سیره عبادی، اقتصادی و سیاسی فاطمه(س)، حجاب و عفاف آن حضرت و فدک به عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه مالی ولایت در اختیار فاطمه(س) مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش چهارم کتاب «فاطمه چشمه جوشان هستی» به وصیت‌ها و حوادث روزهای پایانی عمر صدیقه طاهره(س) در سه فصل با عناوین مجموعه وصیت‌های حضرت فاطمه(س)، حوادث واپسین روزهای حیات و شهادت آن حضرت و شهادت مظلومه عالم پرداخته شده است. در این اثر، وصیت‌نامه حضرت فاطمه زهرا(س) در دو دسته بیان شده است: دسته اول مربوط به وصیت‌نامه «مکتوب مالی» می‌شود که در آن به توصیه آن حضرت بر موقوفات، وصیت بر درآمدهای مالی از زمین‌های زراعی دیگر، وصیت بر اشیای داخل منزل مسکونی وصیت‌نامه شده است؛ دسته دوم وصیت‌های آن حضرت به وصیت‌نامه «مسموع الهی سیاسی» اشاره دارد که از جمله مباحث این قسمت می‌توان به وصیت به ازدواج با «أمامه»، غسل و کفن و دفن شبانه، دعوت شفاهی اصحاب سرّ و تشییع شبانه و تأکید بر دفن شبانه پرداخت.

بخش پنجم و پایانی این اثر به «یاران خاص و مرام‌نامه فاطمه(س)» اختصاص یافته که در این بخش، اصحاب سرّ فاطمه(س) معرفی و به ۴۰ حدیث در شناخت و چگونگی سیره آن حضرت اشاره شده است. علاقه‌مندان برای بهره‌مندی از تخفیف ۱۰ درصدی خرید این کتاب می‌توانند به سایت مؤسسه بوستان کتاب به آدرس www.bustaneketab.ir مراجعه کنند.

نکته ها

حجت الاسلام قرائتی

برخوردهای تربیتی باید همراه با عاطفه باشد

دوستمان می‌گفت: زمان شاه که سوار ماشین می‌شدیم راننده‌ها موسیقی روشن می‌کردند! اول یک جعبه شیرینی و سوهان از قم می‌گرفتیم زیر عبایمان می‌گذاشتیم بعد وقتی می‌نشستیم و ماشین راه می‌افتاد جعبه را باز می‌کردیم و به راننده و بقیه شیرینی می‌دادیم. این دیگر خجالت می‌کشید و موسیقی روشن نمی‌کرد. یا اگر روشن می‌کرد من وقتی می‌گفتم آقای راننده قبول می‌کرد. یک وقتی آقا نشسته و می‌گوید آقای راننده خاموش کن، راننده‌ها از آینه نگاه می‌کنند و می‌گوید: بنشینید.

برخوردهای تربیتی باید همراه با عاطفه باشد. موسی وقتی می‌خواهد با فرعون حرف بزند، می‌گوید: «هَلْ لَکَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ»؛ و به او بگو: آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟! (نازعات/۱۸). خیلی فرق می‌کند. زمان شاه یک وقت قبای نویس می‌پوشیدم که بیایم تهران و قبای کهنه را گذاشتم، ولی باید در رفت در قبای نو پول بگذارم، ماشین که از قم بیرون رفت شاگرد شوفر گفت: آقایان پول‌هایتان را حاضر کنید. ما دیدیم قبای نو پوشیدیم ولی پول داخل آن نگذاشته‌ایم، رفتم به آقای راننده گفتم: آقای راننده شما شده لباس عوض کنی پول داخل آن نگذاری. من لباسم را عوض کردم ۵ پول در آن نگذاشتم، حالا شما محبت کنید مرا اینجا پیاده کنید. گفت: چرا؟ گفتم: لباسم را عوض کرده‌ام پول داخل آن نگذاشتم، گفت: خیلی خب مهمان ما باش، گفتم: نه، من حالا اگر به راه شاگرد شوفر گفت: آقایان پول‌هایتان را حاضر کنید. ما دیدیم

تهران برسم اول بدجنتی من است. یا همین جا پیاده کن من بروم خانه می‌دهند و فحش می‌دهند که به شهردار تهران گفتم: من و تو هر دو پول می‌گیریم ولی من پول می‌گیرم دستم را می‌بوسند به تو پول می‌دهند حماسه‌ها که هرکدام چندین جلد شده‌اند و شخصیت آن‌ها می‌سازد. برای اینکه ما برابر شیطان حدیث می‌خوانیم و قصد قربت می‌کنند ولی تو یا زور می‌خواهی بگیری، یا زور نمی‌شد. پای به آخود پول می‌دهند و دست او را می‌بوسند، ولی به شهردار پول منیر نمی‌شود یا زور کسی را گریاند. اصلاً هر چه به انسان بگویی حتماً می‌گوید: نه. ابجاز است. انسان وجودی است که گاهی وقت‌ها این‌طوری است، اگر می‌خواهید در برخوردهای تربیتی موفق باشید مسئله خشونت و لجبازی را بگذارید کنار. به بچه بگویی نخند، بیشتر ببخند. در برخوردها باید خیلی لطیف باشید.

دیدگاه

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان:

ضرورت بندگی خدا «برده دیگران نبودن» است

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان گفت: بندگی خدا کنید که به واسطه او قدرتمند شوید؛ یکی از وجوه عزتمندی بندگی خداوند این است که به فهم شما احترام می‌گذارد تا خود بسیاری از موارد را تشخیص دهید و بفهمید.

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان بیان کرد: روان‌شناسان می‌گویند اگر انسان رها شود میل به بردگی دارد، انسان بنده خدا آفریده شده است و اگر عبد هر کس غیر خدا شود ذلیل می‌شود اما اگر خداوند را اطاعت کند خداوند انسان را به صفات خود آراسته می‌کند. اگر عرفا به قدرت‌های خارق‌العاده دست پیدا می‌کنند به خاطر بندگی خالص برای خداست.

این استاد حوزه علمیه افزود: بندگی خدا کنید که به واسطه او قدرتمند شوید، فقط خداوند به بنده خود قدرت می‌دهد، دیگران بنده خود را ذلیل می‌کنند. اگر کامل بندگی خدا را کرده بودیم تا الان استکبار جهانی را زمین زده بودیم، سبک زندگی غلط نوعی شیطان‌پرستی است، آمریکا شعارش زندگی و آزادی را برای ما سر می‌دهد و از آن طرف ما داعش، زنان را به بردگی می‌برد. داعشی که سر بزرگ و کوچک را می‌برد و دنبال به بردگی بردن زنان است.

وی با استناد به آیاتی از قرآن کریم، ابراز کرد: خداوند می‌فرماید ای داوود، عزت را در طاعت خود قرار داده؛ کسانی که غیر مرا بندگی می‌کنند همچگاه به عزت دست پیدا نمی‌کنند. حتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) شب و روز می‌گریند به همین دلیل امام حسین(ع) شب عاشورا به یاران خود فرمودند آزاد هستید هر کس دوست دارد، بماند و هرکس دوست دارد، برود. به همین دلیل اهل بیت(ع) غریب و مظلوم هستند آن‌ها تلاش کردند مردم روی پای خود بایستند.

امام راحل، سردار سلیمانی و خوبان دیگر، عبادت خدا را می‌کردند تا برده دیگران نشوند. اولین کاری که دربردگی می‌کنند این است که مستکبران مغز شما را به نفع خود شست‌وشو می‌دهند.

وی با بیان اینکه وحدت‌بخش‌ترین عاملی برای ایجاد یک نظام برده‌داری، دشمنان اسلام دیگران را مجبور به اطاعت از خود می‌کنند، گفت: دشمنان حتی به بردگی ما هم راضی نمی‌شوند و قصد دارند ما را به بدتر از آن بکشانند.

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان با بیان اینکه در یک دسردار مهدویت، ما همین الان باید بندگی خدا را به او ثابت کنیم، گفت: دشمنان ما مجبور به اطاعت از خود می‌کنند، گفت: دشمنان حتی به بردگی ما هم راضی نمی‌شوند و قصد دارند ما را به بدتر از آن بکشانند.

یکی از وجوه عزتمندی بندگی خداوند این است که به فهم شما احترام می‌گذارد تا خود بسیاری از موارد را تشخیص دهید و بفهمید. در محضر امام زمان(عج) باید قدرت فرقان داشته باشید، در دین ابهام است که انسان باید خود تشخیص دهد.

استان‌های مقدس

تولیت آستان حضرت عبدالعظیم:

مدح و شعر آیینی در راستای ارتقای بینش و معرفت مردم در جامعه است

به همت آستان حضرت عبدالعظیم(ع) و مؤسسه فرهنگی عقیق آیین «عصر هنر، عصر فاطمی» با حضور جمعی از ستایشگران و شاعران آیینی و همچنین استاد غلامرضا سازگار، از شاعران و پیرغلامان اهل بیت(ع) برگزار شد.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت‌الاسلام قاضی عسکر، تولیت آستان حضرت عبدالعظیم(ع) در آیین «عصر هنر فاطمی» که با حضور جمعی از ستایشگران و شاعران آیینی برگزار شد، عنوان کرد: خداوند به شاعران آیینی این عنایت را داشته تا زبانشان به مدح آل الله(ع) گویا شده و به برکت این دولت مقدس، اشعار نغز و بسیار زیبایی به این عزیزان شاعر شود که بی‌شک این اشعار، الهام‌بخش جامعه ایمانی ما نیز است.

وی افزود: در طول تاریخ همواره شاعران و مداحان اهل بیت(ع) نقش برجسته‌ای در برانگیختن احساسات یک پیروان خاندان عصمت و طهارت(ع) داشته و سبب حفظ و احترام از اسلام شده‌اند. همچنین در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن در سال‌های دفاع مقدس نیز با شعار حماسی و مدایح آل الله(ع)، جوانان به اوج احساس و شعور رسیدند و در مقابل دشمنان اسلام و انقلاب ایستادگی کردند.

تولیت آستان حضرت عبدالعظیم(ع) با اشاره به توجه ویژه رهبر معظم انقلاب به مداحان و شاعران آیینی تصریح کرد: دیگران به میزانی منفور است که حتی اگر شما صدای خود را نزد ثروتمند، ضعیف اما نزد فقیر، قوی کنید خداوند شما را در دنیا و آخرت نابود می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان بیان کرد: روان‌شناسان می‌گویند اگر انسان رها شود میل به بردگی دارد، انسان بنده خدا آفریده شده است و اگر عبد هر کس غیر خدا شود ذلیل می‌شود اما اگر خداوند را اطاعت کند خداوند انسان را به صفات خود آراسته می‌کند. اگر عرفا به قدرت‌های خارق‌العاده دست پیدا می‌کنند به خاطر بندگی خالص برای خداست.

این استاد حوزه علمیه افزود: بندگی خدا کنید که به واسطه او قدرتمند شوید، فقط خداوند به بنده خود قدرت می‌دهد، دیگران بنده خود را ذلیل می‌کنند. اگر کامل بندگی خدا را کرده بودیم تا الان استکبار جهانی را زمین زده بودیم، سبک زندگی غلط نوعی شیطان‌پرستی است، آمریکا شعارش زندگی و آزادی را برای ما سر می‌دهد و از آن طرف ما داعش، زنان را به بردگی می‌برد. داعشی که سر بزرگ و کوچک را می‌برد و دنبال به بردگی بردن زنان است.

وی با استناد به آیاتی از قرآن کریم، ابراز کرد: خداوند می‌فرماید ای داوود، عزت را در طاعت خود قرار داده؛ کسانی که غیر مرا بندگی می‌کنند همچگاه به عزت دست پیدا نمی‌کنند. حتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) شب و روز می‌گریند به همین دلیل امام حسین(ع) شب عاشورا به یاران خود فرمودند آزاد هستید هر کس دوست دارد، بماند و هرکس دوست دارد، برود. به همین دلیل اهل بیت(ع) غریب و مظلوم هستند آن‌ها تلاش کردند مردم روی پای خود بایستند.

امام راحل، سردار سلیمانی و خوبان دیگر، عبادت خدا را می‌کردند تا برده دیگران نشوند. اولین کاری که دربردگی می‌کنند این است که مستکبران مغز شما را به نفع خود شست‌وشو می‌دهند.

وی با بیان اینکه وحدت‌بخش‌ترین عاملی برای ایجاد یک نظام برده‌داری، دشمنان اسلام دیگران را مجبور به اطاعت از خود می‌کنند، گفت: دشمنان حتی به بردگی ما هم راضی نمی‌شوند و قصد دارند ما را به بدتر از آن بکشانند.

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان با بیان اینکه در یک دسردار مهدویت، ما همین الان باید بندگی خدا را به او ثابت کنیم، گفت: دشمنان ما مجبور به اطاعت از خود می‌کنند، گفت: دشمنان حتی به بردگی ما هم راضی نمی‌شوند و قصد دارند ما را به بدتر از آن بکشانند.

یکی از وجوه عزتمندی بندگی خداوند این است که به فهم شما احترام می‌گذارد تا خود بسیاری از موارد را تشخیص دهید و بفهمید. در محضر امام زمان(عج) باید قدرت فرقان داشته باشید، در دین ابهام است که انسان باید خود تشخیص دهد.

کلام امیر

شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم! همان خداوندی که با اندار و هشدار خود، راه عذر را بسته و با دلایل روشن، طریق هدایت را نشان داده و حجت را تمام کرده و شما را از آن دشمنی بر حذر داشته که مخفیانه درون سینه‌های شما نفوذ می‌کند و آهسته در گوش شما می‌دمد و به این طریق شما را گمراه می‌کند و به هلاکت می‌کشاند؛ او نوید می‌دهد و انسان را به آرزوهای باطل می‌کند و گناهان و جرایم را در نظرها زیبا جلوه می‌دهد و معاصی بزرگ را کم‌اهمیت می‌شمرد (این وضع همچنان ادامه می‌یابد) تا به‌تدریج پرونده خود را فریب می‌دهد، (از خطبه هشتاد و سوم نهج‌البلاغه)

خداوند اطعام کردن مردم و آشکار کردن سلام را دوست دارد.

نیم نگاه

کتاب «شهاب دین» روایت زندگی آیت‌الله مرعشی نجفی رونمایی شد

از حذف وعده ناهار تا کارگری برای خرید نسخه‌های خطی

محدثه مودی | زهرا باقری، نویسنده کتاب شهاب دین با اشاره به نقاط عطف فراوان زندگی مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی، گفت: بسیاری از افراد با خواندن کتاب، جذب بحث تشرفات ایشان به محضر امام زمان(عج) می‌شوند. اما در این میان، آنچه برای خود من در زندگی ایشان مهم و تأثیرگذار بود، تلاش بسیار ایشان در راستای اعتلای فرهنگ کتاب‌خوانی است.

به گزارش قدس آنلاین، صبح دیروز آیین رونمایی از کتاب شهاب دین به قلم زهرا باقری برگزار شد. این کتاب که توسط انتشارات شهید کاظمی به چاپ رسیده به زندگی آیت‌الله مرعشی نجفی، عالم بزرگ شیعه و جهان اسلام می‌پردازد. به این بهانه با نویسنده این کتاب گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

باقری در پاسخ به این پرسش که چرا به سراغ شخصیت آیت‌الله مرعشی نجفی رفته، پاسخ داد: خاطره‌ام است در دوره نوجوانی درمورد تشرفات ایشان به محضر امام‌زمان(عج) مطالبی خواندم و شخصیت ایشان در ذهنم ماندگار شده بود. هنگام زیارت حرم حضرت معصومه(س) هم بارها مزار ایشان را زیارت می‌کردم. پس از خواندن کتاب نخل و نارنج از آقای یامین‌پور، تمایل پیدا کردم کتابی به همین سبک بنویسم و درلحظه انتخاب کردم به سراغ شخصیت آیت‌الله مرعشی بروم و نگارش کتاب را آغاز کردم.

این نویسنده در مورد محتوای کتاب و ابعادی از شخصیت آیت‌الله مرعشی که می‌خواست به آن بپردازد، گفت: زندگی طولانی مدت ایشان که نزدیک به یک قرن بوده، موجب شده شخصیت و حیاتی چندبعدی داشته باشند که از هرکدام می‌توان کتابی فقط نوشت. مثلاً فقط درمورد ابعاد سیاسی شخصیت ایشان کتاب به چاپ رسیده است، بنابراین تلاش کردم تمام ابعاد زندگی ایشان ازجمله خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی یا خدمات ایشان به کتاب و کتاب‌خوانی را در کتاب ذکر کنم و تمرکز بر جنبه خاصی از زندگی ایشان ندارم. اما بحث فعالیت ایشان در حوزه کتاب کمی پررنگ‌تر است.

باقری درمورد منابع استفاده شده در نگارش این کتاب گفت: در نگارش این کتاب تخیلات خودم هم تاحدودی دخیل بود، به‌خصوص در بخش نجف که برخی وقایع و روایت را با کمک تخیلات خودم کنار هم چیدم. اما همان‌طور که گفته شد، بخش اعظمی از محتوای این کتاب، مستند است و در نگارش آن از منابع مختلفی استفاده کردم. برای مثال از کتاب‌هایی که پسرپزرگ مرعشی نجفی در اختیارم قرار دادند بسیار کمک گرفتم؛ مثل کتاب شهاب شریعت و مرزبان حماسه‌ها که هرکدام چندین جلد هستند. علاوه بر این، از زندگی نامه‌های نوشته شده از شخصیت ایشان هم استفاده کردم و مصاحبه‌هایی با فرزندان ایشان نیز داشتم.

باقری افزود: تفاوت کتاب شهاب دین با دیگر آثار منتشر شده درمورد آیت‌الله مرعشی در شیوه نگارش آن است. کتاب‌های دیگر، اغلب بازیان مستقیم نوشته شده‌اند اما در شهاب دین تلاش کردم با زبان قصه و داستان زندگی ایشان را روایت کنم.

نویسنده کتاب شهاب دین در پایان بیان کرد: زندگی ایشان نقاط اوج بسیاری دارد. بسیاری از افراد نیز با خواندن کتاب، جذب بحث تشرفات ایشان به محضر امام‌زمان(عج) می‌شوند. اما در این میان، آنچه برای خود من در زندگی ایشان مهم و تأثیرگذار بود، تلاش بسیار ایشان در راستای اعتلای فرهنگ کتاب‌خوانی، بدست آوردن کتاب و حفظ منابع مکتوب شیعه است. درواقع هم و غم ایشان تلاش برای حفظ میراث فرهنگی بود که به نظر من ارزشمندترین بخش زندگی ایشان است.

■ **حتی نمازهای استیجاری را به‌جا می‌آورد تا بتواند کتاب‌هایی را خریداری کند**

حجت‌الاسلام سیدمحمود مرعشی نجفی، فرزند ارشد فقیه برجسته درخصوص شخصیت‌پدر خویش در مراسم رونمایی از کتاب شهاب دین عنوان کرد: پدر مرحومم روز اربعین سال ۱۳۱۵ قمری در نجف به دنیا آمد. در آن ایام دوسال درس طب خواند و البته ریاضیات هم خوانده بود. وی از معدود مراجعی بود که به غیر از علوم حوزوی، از علوم دیگر نیز بهره‌مند بود. مرحوم وی زبان‌های انگلیسی، عربی و ترکی مسلط بود. سپس وارد حوزه علمیه نجف شد و در سن ۲۳ سالگی اجازه اجتهاد کتبی از علمای بزرگ نجف گرفت. پدر استعداد و حافظه غریبی داشت، ایشان در سال ۴۲ قمری به قصد زیارت مشهد وقم و دیدار اقوامی که در تبریز داشتند به ایران می‌آیند تا پس از آن به نجف برگردند. در سفرشان به قم با آیت‌الله حائری ملاقاتی داشتند و ایشان به او تکلیف می‌کند در قم بماند، چراکه می‌گفتند ما استاد کم داریم و ایشان بر حسب تکلیف ماندند. وی با اشاره به علاقه شدید آیت‌الله مرعشی به کتاب گفت: روزی پدرم‌رحوم از بازار نجف می‌گذشت، کتابی را دید که یک زن فروشنده در زیر چادر خود پنهان کرده؛ از زن فروشنده می‌خواهد این کتاب را به او بفروشد. در آن زمان یک دلال انگلیسی در نجف بود که کتاب‌های خطی را خریداری می‌کرد و به زن گفت هرچه آن سید می‌دهد، من دوبرابر آن را می‌دهم. زن فروشنده به دلال گفت آن را فروخته و این کار را نمی‌کند. این داستان منجر به این می‌شود که روزی شرط‌ها پدرم را به زندان می‌برند تا کتاب را تحویل دهد البته پدرم تحویل نداد و الان در کتابخانه است. وی برای خرید کتاب ظهرها غذا نمی‌خورد و شب‌ها در کارگاهی، کرسی‌ها درحق نمازهای استیجاری را به‌جامی آورد تا بتواند کتاب‌هایی را خریداری کند.

■ **۵۸هزار عنوان نسخه خطی داریم**

وی در ادامه تصریح کرد: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در جهان است و ما با ۴۰۰ کتابخانه و مرکز فرهنگی بین‌المللی و داخلی ارتباط داریم. روزی امام خمینی(ره) گفتند به ملاقات ایشان بروم؛ وقتی نزد امام رسیدیم ایشان به من گفتند پدرت خیلی زحمت کشید و شما هم باید کمک کنید و همان‌جا مبلغی به ما دادند که خانه‌های اطراف را بخریم تا بتوانیم کتابخانه را گسترش دهیم. امام به وزارت دفاع دستور داد در ساخت ایران کتابخانه کمک کند. ما در این کتابخانه ۵۸هزار عنوان نسخه خطی داریم که ۶۵درصد آن به زبان عربی، ۳۰درصد به زبان فارسی و بقیه به زبان‌های دیگر است.

سیدمحمود مرعشی درخصوص نگاه‌های سیاسی آیت‌الله مرعشی بیان کرد: ایشان در بحث‌های سیاسی همراه امام بودند و امام را استاد سیاسی می‌دانستند. پدرم وصیت کردند ساخت کتابخانه از ساخت دهها مسجد و حسینیه بهتر است چراکه کتابخانه‌ها نمی‌گذارند مسجدها خالی باشند.

■ **آیت‌الله بهجت می‌گفتند ای کاش من هم چنین پدری داشتم**

وی در پایان تصریح کرد: مرحوم به سفر حج نرفته بودند و می‌گفتند تا زمانی که سعودی‌ها برای ائمه بقیع مقبره نسازند به حج نخواهم رفت. البته تجار بسیاری می‌آمدند و می‌گفتند تمام هزینه‌های سفر شما را می‌دهیم به حج بروید اما مرحوم قبول نمی‌کرد و می‌گفت من نمی‌دانم این مال از چه راهی بدست آمده است. هنگامی هم که قوت کردند چیزی به لحاظ مالی نداشتند و خانه‌ها جیب لباسشان ۸۰۰ تومان بود که از جیب‌شان درآمد. مجلس ختم ایشان آیت‌الله بهجت آمده بود و خودم و همراهانم از ایشان شنیدیم که می‌گفتند من به حضرت ولی‌عصر(عج) متوسل شدم و تا نظر ایشان را در خصوص آیت‌الله مرعشی بدانم که ایشان گفتند: ایشان از ما هستند

آیت‌الله بهجت به من می‌گفتند ای کاش من هم چنین پدری داشتم.

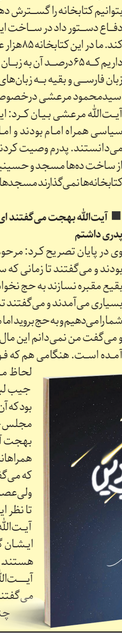

هنر شکاهه اسفهاء و صناعة الجهال

مسخره کردن و شوخی‌های بی‌مورد از بی‌خردی و کار انسان‌های نادان است.

زیور آل محمد(ع)

درباره زندگی و زمانه «عزالدین قسام» که پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی بود

نخستین ژنرال مقاومت

اعتقاد به مبارزه با گوشت و خونش آمیخته بود. از روزی که استعمار و بازوهای نفاق‌انگیز و اشغالگرش را شناخت، یقین پیدا کرد جز مبارزه و ایستادگی، هیچ چیز جلودار استعمارگران نیست. می‌دانست اشغال آب و خاک مسلمانان، قدم اول اشغالگری‌های بعدی است و این سیل اگر مانعش نشوند، در آینده می‌تواند بی‌دغدغه و بی‌هیچ مانعی همه‌جا را غارت ببرد.

نویسنده

مجید تربت‌زاده | می‌توانست تحصیلات دینی‌اش را بیاز هم ادامه دهد... می‌توانست فقط روحانی، پیشنماز و واعظ شهر و روستایان باقی بماند... کلاس‌های آموزش و تفسیر قرآن را ادامه کند... بی‌خیال سیاست و بازی‌های سیاسی آن روزگار شود و سرش به کار و زندگی بی‌دغدغه گرم باشد. شیخ اما این‌کاره نبود! مفهوم دین و زندگی در قاموس افکار و عقایدش، آمیخته با روشنگری، آزادگی و شرافت بود. این‌ها در افکار شیخ، جوری به هم گره خورده بودند که جدا کردنشان ممکن نبود. پس تعجبی ندارد اگر حدود ۱۲۰ سال پیش، توانسته اوضاع نابسامان امروز اعراب و فلسطینیان را در آینه روشن‌بینی و روشنفکری‌اش ببیند و برای ایستادگی در برابر تفکر و جریان خزنده انگلیسی - صهیونیستی، کمر همت را ببندد.

■ **از «عبده» تا سید جمال‌الدین اسدآبادی**

اگر روستای «جبله» در منطقه «لاذقیه» سوریه را ملاک قرار دهید، «عزالدین قسام» چون سال ۱۸۸۲ در این روستا به دنیا آمده، سوری است. اگر زندگی و مبارزاتش را نگاه کنید، شیخ، آگاهی لیبیایی‌ها، گاه اهل لبنان است و رود در روی فرانسوی‌ها، گاه در مصر به پر و پای انگلیسی‌ها می‌پیچد و گاهی هم فلسطینی الاصل است؛ با همه این‌ها، زندگی و گذشته‌اش پُر از صحنه‌هایی است که کمتر شباهتی به شخصیت‌های اهل مبارزات چریکی و نظامی دارد. «عزالدین» در همان روستای زادگاهش به مکتب می‌رود و چون استعداد تحصیلی خوبی دارد پدر در آینده، او را به «الازهر» در مصر می‌فرستد. جوان درخشان و کوشای سوری در الازهر پای درس «شیخ محمد عبده» حاضر می‌شود و بیشتر و بیشتر وقتش را در کتابخانه و پای کتاب‌های درسی و غیردرسی می‌گذراند اما آشنایی اش با کم و کیف روش‌های استعمار انگلیس برای نفوذ در سرزمین‌های اسلامی نیز از همین دوره آغاز می‌شود. برخی‌ها به دلیل حضور «عزالدین قسام» پای درس‌های «عبده» او را شاگرد یا واسطه سید جمال‌الدین اسدآبادی هم می‌دانند. اینکه او بعدها «استعمار» و «فئودالیسم» حاکم بر جوامع اسلامی آن زمان را دو روی سکه طلم می‌دانست در واقع حاصل اندیشه‌های دوران حضور در مصر و همچنین پی‌آوری خاطرات سوری و فقر و بی‌سوادی حاکم بر مردم سرزمینش است.

■ **بیداری اسلامی**

هشت سال بعد، تحصیل در «الازهر» را تمام می‌کند، ابتدا به زادگاهش برمی‌گردد و بعد هم برای آموختن شیوه‌های نوین تدریس مدتی به ترکیه امروز می‌رود. در بازگشت از ترکیه مانند پدرش در مسجد سلطان بن ادهم قطب‌الدین به تدریس مشغول می‌شود. روش‌های جذاب تدریس برای کودکان و نوجوانان، برپایی نماز جمعه، سخنرانی‌های پرشور و... سبب می‌شود آوازه «عزالدین» به‌سرعت در مناطق مجاور بپیچد و علاوه بر جایگاه و منزلت خانوادگی، طرفداران زیادی پیدا کند. تا اینجا همه چیز زندگی او تنها به یک مبلّغ و روحانی شبیه است. واقعیت این است «عزالدین قسام» در همین زمان و در حالی که ۲۳ سال بیشتر ندارد، در سخنرانی‌ها و فعالیت‌هایش، بیداری اسلامی را به سبک و سیاق خودش دنبال می‌کند. بنابراین در نوامبر سال ۱۹۱۱ وقتی ناوگان ایتالیا، برای سرکوب انقلابیون لیبی شهر «طرابلس» را به محاصره درمی‌آورد، روحانی مشهور روستای «جبله»، مردم منطقه را به برگزاری راهپیمایی در اعتراض به حمله طرابلس دعوت می‌کند. راهپیمایی البته پایان ماجرا نیست که مبارزات و فعالیت‌هایش ادامه پیدا می‌کند. شیخ، آگاهی لیبیایی‌ها، گاه کمتر شباهتی به شخصیت‌های اهل مبارزات چریکی و نظامی دارد. «عزالدین» در همان روستای زادگاهش به مکتب می‌رود و چون استعداد تحصیلی خوبی دارد پدر در آینده، او را به «الازهر» در مصر می‌فرستد. جوان درخشان و کوشای سوری در الازهر پای درس «شیخ محمد عبده» حاضر می‌شود و بیشتر و بیشتر وقتش را در کتابخانه و پای کتاب‌های درسی و غیردرسی می‌گذراند اما آشنایی اش با کم و کیف روش‌های استعمار انگلیس برای نفوذ در سرزمین‌های اسلامی نیز از همین دوره آغاز می‌شود. برخی‌ها به دلیل حضور «عزالدین قسام» پای درس‌های «عبده» او را شاگرد یا واسطه سید جمال‌الدین اسدآبادی هم می‌دانند. اینکه او بعدها «استعمار» و «فئودالیسم» حاکم بر جوامع اسلامی آن زمان را دو روی سکه طلم می‌دانست در واقع حاصل اندیشه‌های دوران حضور در مصر و همچنین پی‌آوری خاطرات سوری و فقر و بی‌سوادی حاکم بر مردم سرزمینش است.

■ **یک خانه در برابر ۳۴ تفنگ**

اروپایی آن زمان، پس از فروپاشاندن امپراتوری عثمانی، لبنان و سوریه را به فرانسوی‌ها واگذار کرد. «عزالدین قسام» اعتقاد به مبارزه با گوشت و خونش آمیخته بود. از روزی که استعمار و بازوهای نفاق‌انگیز و اشغالگرش را شناخت، یقین پیدا کرد جز مبارزه و ایستادگی، هیچ چیز جلودار استعمارگران نیست. می‌دانست اشغال آب و خاک مسلمانان، قدم اول اشغالگری‌های بعدی است و این سیل اگر مانعش نشوند، در آینده می‌تواند به «عمر انبطار» پیوست تا درست و حسابی از جلو اشغالگران فرانسوی در بیایند. فرانسوی‌ها از شهرت و اعتبار شیخ آگاه بودند بنابراین او را دست‌کم نگرفتند. بارها برایش پیغام فرستادند، وعده سمت و مقام دادند، زندگی با اشغالگری را آغاز کرد و مدتی بعد در کوه‌های لاذقیه به «عمر انبطار» پیوست تا درست و حسابی از جلو اشغالگران فرانسوی در بیایند. بنابراین او را دست‌کم نگرفتند. بارها برایش پیغام فرستادند، وعده سمت و مقام دادند، زندگی راحت و دریافت حقوق عالی را پیشنهاد کردند اما جوابی نگرفتند. برای همین مدتی بعد در کوه‌های دادگاهی فرمایشی، او را به اعدام محکوم کردند. عزالدین قسام با برخی همراهانش مدتی را به ترکیه گریخت و سپس با آرام‌تر شدن اوضاع به لبنان رفت.

■ ... و فلسطین

مدتی بعد، از بیروت به «حیفا» رفت. زندگی در فلسطین آن روزگار که در اشغال انگلیسی‌ها بود و هر روز زیادی از یهودیان به آن وارد می‌شدند، آغاز مرحله جدیدی در مبارزات «عزالدین قسام» است. در جایی که هنوز نه شهرتی داشت و نه سلاح و یاوری، مبارزه باید شکل و شمایل دیگری پیدا می‌کرد. او در محله‌ای فقیرنشین که بیشتر ساکنانش را کشاورزانی تشکیل می‌دادند که از خانه و زمینشان رانده شده بودند، همه تلاشش را گذاشت تا در قدم اول، اوضاع معیشتی اهالی را بهبود ببخشد. بعد هم به جنگ بی‌سوادی رفت. برای کودکان و بزرگسالان بی‌سواد، کلاس‌های درس شبانه تشکیل داد و در کنار آموزش آن‌ها از اهداف اشغالگری و ضرورت اتحاد سخن گفت. مدتی بعد، وقتی اهالی محله شیفته منش و رفتارش شدند، شهرت و پیشینه‌اش هم برای آن‌ها و دیگران آشکار شد. او را برای تدریس به مدرسه اسلامی «حیفا» دعوت کردند و چندی بعد هم به او موافقت «حاج محمد امین الحسینی» مفتی قدس و رهبر جنبش ملی فلسطین، به عنوان امام جماعت و سخنران مسجد جامع «استقلال» انتخاب شد.

■ **مثل سلاح کمری من**

۱۵ سال زمان کمی نیست. شیخ نزدیک به ۱۵ سال زمان صرف کرد تا ضمن روشنگری، ساکنان مناطق اشغالی را متوجه دست‌های پشت پرده مهاجرت یهودیان کند. ۱۵ سال زمان لازم بود تا در سخنرانی‌ها، خطبه‌های نماز جمعه و جلسات درسی‌اش ضرورت راه‌اندازی تشکیلاتی منسجم برای رویارویی جدی در میدان جنگ با استعمار را در باور مردم فلسطین بنشاند. یعنی بی‌دلیل نیست که چه فلسطینی‌ها و چه دیگران، امروز، او را پایه‌گذار نهضت مقاومت اسلامی در سرزمین‌های اشغالی می‌دانند. پیش از او، دیگران، بدون پی بردن به عمق فاجعه‌ای که در حال شکل‌گیری بود، آنچه در فلسطین می‌گذشت را فقط درگیری میان پیروان اسلام و یهودیت و یا تا حد اشغال خاک یک کشور، حساب